درنگ

جایگاه حقوقی و اختیارات مجلس

جواد اطاعت
استاد دانشگاه و فعال سیاسی

عملکرد مجلس در ظرف زمانی و مکانی خاص باید ارزیابی شود؛ اما در نمای کلی، مجلس شورای اسلامی هم از نظر ساختاری و هم از لحاظ عملکردی با مشکلاتی مواجه است. از این حیث هم به‌دلیل نوع نظام انتخاباتی، نمایندگان به‌جای پرداختن به وظایف نظارتی و قانون‌گذاری خود، عمدتاً درگیر مشکلات ریزودرشت حوزه‌های انتخابیه و دشواری‌های خاص آن شده و به‌جز برخی چهره‌های معدود، بقیه به‌جز «قیام و قعود» عموماً نقش چندانی در فرایند قانون‌گذاری و انجام وظایف بسیار بااهمیت نظارتی برنهفته ندارند. دراین‌میان، نگاهی به شرایط مجالس در سایر کشورهای دنیا، نکاتی را یادآوری می‌کند. در آمریکا کنگره قانون را تصویب کرده و برای اجرا به دستگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ می‌کند. چنانچه در جریان اجرای قانون دادگاه‌های آمریکا با مصوبه‌ای برخورد کنند که به نظر آنها با قانون اساسی دارای مغایرت باشد، آن را به دیوان‌عالی ارجاع می‌دهند تا در همان مورد خاص اظهارنظر کند. شورای قانون اساسی فرانسه هم مشابه همین نقش را ایفا می‌کند و وظیفه آن مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی نیست. قانون عادی پس از تصویب مجلس جنبه اجرائی پیدا می‌کند. مگر مواردی که از سوی رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر یا رؤسای مجلس احتمال داده شود که قانون مصوب درحال‌اجرا، با قانون اساسی در تعارض است. باید توجه داشت که تنها در چنین شرایطی است که شورای قانون اساسی وارد می‌شود. در ایران نهادهای نظارتی مانند شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت وجود دارند، اما این شرایط با نظام دو مجلسی، تفاوت مشخصی دارد. نوع نظام‌های حقوقی هم در شکل‌گیری نهادهای رسمی، تأثیرگذار است. در نظام‌های سیاسی «ریاستی» مانند آمریکا، انتخاب ریاست‌جمهوری و کنگره به‌طور مجزا برگزار می‌شود و برای همین ممکن است رئیس‌جمهور از جمهوری‌خواهان و مجلس در اختیار دموکرات‌ها باشد یا برعکس. در برخی کشورها مانند انگلستان شرایط متفاوت است. هر حزبی که اکثریت را در انتخابات پارلمانی دراختیار بگیرد، معمولاً رئیس حزب یا رئیس شورای حزب را به‌عنوان نخست‌وزیر معرفی کرده و او نیز کابینه تشکیل می‌دهد. دراین‌صورت هیچ بهانه‌ای برای حزب حاکم وجود نخواهد داشت؛ چراکه هماهنگی کامل میان دولت و مجلس وجود دارد. هرکدام از این نظامات دارای معایب و مواهبی هستند. در سیستم ریاستی چنانچه رئیس‌جمهور بخواهد از قدرت بالائی خود سوءاستفاده کند، کنگره در مقابل او ایستاده و رئیس‌جمهور از طرف حزب رقیب کنترل خواهد شد. درعین‌حال در صورت همسوبودن دولت و مجلس نمایندگان این احتمال وجود دارد که رئیس‌جمهور نتواند قوانین مدنظر خود را از تصویب مجلسیان (نمایندگان و سنا) بگذراند و به وعده‌های انتخاباتی خود عمل کند. در نظام کابینه‌ای هم همین محاسن و معایب وجود دارد. از یک‌سو یک‌دستی دولت و مجلس نوعی آزادی عمل ایجاد می‌کند تا حزب حاکم با فراغبال در جهت نیل به اهداف و وعده‌های خود حرکت کند و درعین‌حال، هیچ بهانه‌ای برای عدم تحقق وعده‌ها وجود ندارد. در مقابل این آسیب هم محتمل است که تمرکز قدرت در دست یک حزب یا جریان سیاسی باعث نادیده‌گرفتن حقوق اقلیت شود و جریان حاکم به‌سمت استبداد و تمامیت‌خواهی سوق یابد. کشاندن نظام حقوقی ایران را مختلط می‌نامم. به‌دلیل انبکه در ایران سابقه چندانی در دموکراسی وجود نداشته، به‌نظر کارشناسان، استقلال خود قوا به‌صواب نزدیک‌تر است. بااین‌حال باوجود برگزاری انتخابات جداگانه مجلس و ریاست‌جمهوری، شاهد آن هستیم که در برخی ادوار، مجلس به تمکین در برابر دولت وقت پرداخت که این امر نارضایتی و اعتراض برخی نمایندگان را هم دربی داشت. به‌هرحال همسویی مجلس و دولت در مقاطع مورد اشاره سبب شد جایگاه آن تضعیف شود. به‌بیان‌دیگر هماهنگی مجلس و دولت باعث تسلیم‌به‌محتی شدن‌طبعی شود. نمونه آن عملکرد مجلس پنجم در دو سال نخست دولت اصلاحات بود. به‌دلیل اینکه اصولگرایان مجلس پنجم از جهه‌های باسابقه و شناسنامه‌دار سیاسی بودند، رفتار معقولی را درپیش گرفته و به همه وزرای معرفی‌شده توسط رئیس‌جمهور وقت رأی دادند؛ البته فضای عمومی جامعه هم در این تعامل بی‌تاثیر نبود. در سوی مقابل، اصولگرایان رأی‌ندادن مجلس هفتم و هشتم به بعضی گزینه‌های پیشنهادی دولت نهم و دهم را نتیجه استقلال مجلس می‌دانند. گزینه‌های رئیس دولت نهم بعضاً به‌اندازه‌ای ناشناخته و ضعیف تشخیص داده شد که حتی مجلس هشتم با اصولگرایان باوجود همه رایزنی‌ها نتوانست آنها را بپذیرد. نکته دیگر نیز این است که همه رؤسای‌جمهور پیشین در دوران اجرای قانون باتندمدت و واقعی بوده و از فضای آن شناخت کافی داشتند. ذکر روحانی هم سابقه حضور در پنج دوره مجلس را در کارنامه دارد. ازاین‌حیث هر رئیس دولت‌های نهم و دهم یک استثنا محسوب می‌شود. گوناه سخن اینکه مجلس می‌تواند در بسیاری از حوزه‌ها، اثرگذار باشد. به‌عنوان نمونه در برنامه چهارم توسعه که از سندهای مهم مصوب مجلس نهم است، نکته به خاطر بارنامه‌ها نگاه فرایندی بود؛ اینکه در یک برنامه ۱۰ ساله به‌طور یکنانی، هر سال ۱ درصد به قیمت بنزین و برخی حامل‌های انرژی اضافه شود و به‌موازات آن، زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی، خصوصاً مترو، در کلان‌شهرهایی مانند تهران، اصفهان، مشهد، تبریز، اهواز و... تکمیل و راه‌اندازی شود. همچنین درنظر بگیرید که در سال‌های گذشته شاهد و بنزین به‌تدریج با قیمت جهانی آن برابر شود تا در کنار رشد دستمزدها، فشار کمتری به مردم وارد شود. در مجلس هفتم با نگاهی ساده‌انگارانه به اقتصاد، از بنزین لیتری ۳۰۰ تومان سخن گفته و طرح تثبیت قیمت کالاهای اساسی را با سوءوضای زیاد به‌عنوان خدمت بزرگ به اقشار کم‌درآمد تصویب کردند. البته پس از دو سال اجرای قانون که طرح آنها اشتباه بوده است، باید در مجلس، در حوزه‌های مدنظر اقتصاد طرح‌های زیربنایی را تصویب کرد. حمایت از اصلاح‌سازی‌های اجرایی، اصلاح نظام مالیاتی، اصلاح روند بودجه‌نویسی، اصلاح‌کردن بورس‌های منطقه‌ای، تأکید بر تقویت تولید ملی و اقتصاد مقاومتی موردنظر مقام معظم رهبری، همه و همه می‌تواند به بهبود شرایط کمک کنند. مجلس دهم می‌تواند با نگاه عالمانه و غیرمغرضانه، نه‌تنها روند کنترل تورم را در دستورکار قرار دهد؛ بلکه برای خروج از رکود هم به دولت یاری برساند. همه اینها در دوران اجرای برجام می‌تواند با سرعت بیشتری طی شود. با توجه به زمان کوتاه باقی‌مانده از عمر مجلس نهم، اصول کلی حرکت نباید کمتر در مسیر توسعه نیز می‌تواند توسط مجلس دهم در برنامه ششم توسعه مورد واکاوی و بازنظیم قرار گیرد.

عکس: امیر جدیدی، شرق

اولویت‌های مجلس دهم در گفت‌وگوی «شرق» با مرتضی الویری

به هر میزان که دستمان باز باشد، تلاش می‌کنیم

حامد طیبی

در شرایطی که وضعیت نهایی داوطلبان در انتخابات روشن نیست و پس از اعلام اولیه نتایج بررسی صلاحیت‌ها در هیات‌های اجرائی و سپس هیات‌های نظارت، تعدادی از چهره‌های شناخته شده و نمایندگان فعلی مجلس هم در فهرست ردصلاحیت‌شدگان قرار دارند، پیش‌بینی وضعیت رقابت‌های انتخاباتی واقعا دشوار است. بااین‌حال درباره اولویت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... مقطع زمانی فعلی که مجلس دهم باید برای حل آنها تدبیر کند، می‌توان سخن گفت. مجلس دهم حدود سه سال پس از انتخابات سال ۹۲ و انتخاب دولت حسن روحانی، با حدود ۱۹ میلیون رای‌دهنده تشکیل خواهد شد. مسائل اقتصادی، حوزه سیاست داخلی و مسائل سیاست خارجی که پس از اجرای برجام، همچنان نیازمند پایش و تقویت است، پیش روی دهمین دوره قوه قانون‌گذاری کشور قرار خواهد داشت. بررسی اموری که مجلس دهم از سال آینده باید به آنها بپردازد، موضوع گفت‌وگوی «شرق» با «مرتضی الویری»، استاد دانش‌آموخته دانشگاه صنعتی شریف، در دوران پیش از انقلاب و عضو گروه فلاح - از گروه‌های هفت‌گانه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی- بود و از مبارزان شناخته‌شده علیه رژیم پهلوی به‌شمار می‌رفت. وی پس از انقلاب نیز سه دوره نمایندگی مجلس، سمت شهرداری تهران، سفارت ایران در اسپانیا و عضویت در شورای مشورتی اصلاح‌طلبان و حضور در جمع مشاوران آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی را در کارنامه دارد.

■ درباره اولویت‌هایی که مجلس دهم در کام اول باید تصویب برنامه تشکیل به آنها بپردازد. دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. به‌نظرشما اصلی‌ترین کارهایی که در این دوره از مجلس باید دنبال شود چیست و البته که‌امیک، ضروری‌تر و نیازمند سرعت در به‌نتیجه‌رسیدن است؟

اولویت نخست مجلس دهم، تصویب برنامه ششم توسعه است. برنامه‌ای برای توسعه ایران و رسیدن به اهدافی که به دلیل عملکرد دولت احمدی‌نژاد، به‌شدت از آنها عقب افتادیم. باید نقاط قوت برنامه‌های گذشته را حفظ کند و کاستی‌هایی را که در ادوار گذشته درباره شیوه نوشتن برنامه و کلی‌گویی در آنها وجود داشت تکرار نکند. شباهت‌های خیلی زیادی میان مقطع آغاز به کار مجلس دهم در خرداد سال آینده با آنچه بعد از جنگ و قطع‌نامه ۵۹۸ اتفاق افتاد وجود دارد. بعد از پذیرش قطع‌نامه در آن مقطع بلافاصله اولویت مجلس، برنامه اول توسعه قرار گرفت.

■ مجلس سوم؟

بله، در سال ۶۷ به محض اینکه قطع‌نامه پذیرفته شد و درست در همان چند روزی که حملات عراق توسعه یافت تا با اشغال بخش‌هایی از خاک ایران، قدرت چانه‌زنی را برای گرفتن امتیاز بیشتر بالا ببرد و بسیاری از نمایندگان و دوستان کمیسیون برنامه و بودجه هم به جبهه رفته بودند، با صحبتی که با آقای هاشمی به عنوان رئیس جلسه داشتیم، دستور دادند اعضا کمیسیون به مجلس برگردند و به صورت فشرده، روی برنامه اول توسعه کار کنند و آن را برای طرح در صحن مجلس آماده کنند. الان هم تصور می‌کنم در چنین وضعیتی هستیم. درعین‌حال با توجه به دستاورد بزرگ دولت و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و رسیدن به روز اجرای «برجام» و برچیده‌شدن تحریم‌های مرتبط با موضوع هسته‌ای، شرایط پسابرجام اهمیت بیشتری حتی از شرایط پس از قطع‌نامه ۵۹۸ دارد؛ چراکه ابعاد تحریم‌هایی را که در دولت گذشته به دلیل شیوه پرداختن به مسئله هسته‌ای گرفتار آن شده بودیم با قطع‌نامه ۵۹۸ نمی‌شد مقایسه کرد. تصور می‌کنم در چند ماه باقی‌مانده، مجلس فعلی قدرت ورود به برنامه ششم را نخواهد داشت. نمایندگان تا پایان سال جاری گرفتار انتخابات هستند و بررسی لایحه بودجه هم دو ماه وقت مجلس را خواهد گرفت. درعین‌حال احتمالا در بسیاری از حوزه‌ها، انتخابات به دور دوم کشیده می‌شود. بعد از نوروز هم تعداد زیادی از نمایندگان دررکرحله دوم انتخابات خواهند بود.

■ صحبت از بودجه دو دوازدهم برای فروردین و اردیبهشت سال آینده است. احتمالا بررسی کامل بودجه ۹۵ هم به سال آینده موکول می‌شود.

بله، پس فرصت کوتاه سال آینده هم به‌سرعت از دست می‌رود. مجلس فعلی توان و فرصت رسیدگی برنامه ششم را نداره؛ بنابراین اولویت اصلی مجلس آینده، بررسی دقیق، همه‌جانبه و کارشناسی برنامه ششم توسعه است که فرازهای مهمی از تحولات سال‌های آتی در کرو چگونگی سند برنامه ششم خواهد بود. امیدوارم با برگزاری انتخاباتی با حضور همه سلایق، بنیه کارشناسی مجلس در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و سیاست خارجی تقویت شود تا از این حیث، منافع کشور و مردم بیشتر مد نظر نمایندگان قرار گیرد.

■ اصلاحاتی که مجلس دهم در کام اول با تصویب برنامه ششم می‌تواند در وضعیت کشور صورت دهد، بیشتر در چه حوزه‌هایی است؟

کشور و مردم گرفتار رکود عمیق اقتصادی هستند. در اواخر دولت اصولگرایان، رکود توأم با تورم ویژگی بارز اقتصاد کشور بود. البته بعد از انتخابات سال ۹۲ و روی‌کارآمدن دولت روحانی، دولت تلاش کرد تورم ۴۰درصدی را مهار کند و تا حد زیادی هم موفق بود. اما با وجود این در زمره کشورهایی هستیم که با نرخ تورم بالا در جهان شناخته می‌شوند. اما درحال‌حاضر، رکود عمیق حاکم بر بخش‌های مختلف اقتصادی و تولیدی، پدیده نگران‌کننده‌ای است که شاخص‌های منفی را در اقتصاد کشور به نمایش می‌گذارد. مقابله با رکود و ایجاد رونق اقتصادی موضوعی جدی است و سازوکارهای اقتصادی برنامه ششم توسعه باید برای خروج از رکود سامانه‌دهی شود. در این زمینه کارهای مختلفی می‌توان انجام داد که در این حالی است که اصلاحات اقراطی اصلاح‌طلبان از سال ۱۳۷۶ با بعد حاکمیت قانون را نقض می‌فرستد. اقراطی‌ها را باید اصولاح‌طلبان را در دوران اصلاحات فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا خواندند که با حاضر شد و رای داد؛ اقدامی که البته آن زمان با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شد و حتی طعم واکنش‌های تند را هم چشید. اما همان زمان برخی حاب‌نظران و تحلیلگران، این اقدام او را دلیل روشن و بارزی برای تصمیم جریان اصلاح‌طلبی به ماندن در صحنه عمل دانستند. به‌هرروی، معتقدان به این تفکر سیاسی چهار سال گذشته را نیز با وجود همه محدودیت‌ها پشت‌سر گذاشتند تا فضا برای انتخابات یازدهمین دوره ریاست‌جمهوری آماده شد.

مسیر ائتلاف

در روزهایی که تب انتخابات ریاست‌جمهوری بر پیشانی شهرها و روستاهای ایران عرق کرده بود، شعاری مراسم‌به‌مراسم چرخید و شد پای ثابت شعارهای همه‌جای انتخاباتی؛ «اعتدال- اصلاحات- ائتلاف- ائتلاف». پیام این شعار برای آنان که دنبای سیاست و پیوندش با بدنه اجتماعی را خوب می‌شناسند، کاملا واضح و آشکار بود، یکی از راه‌های رسیدن به اصلاح امور، گذر از اصلاح‌طلبی می‌گذشت. به‌وفور در سخنرانی‌ها و اظهارات کوتاه و بلند اعتدالیون و البته اصلاح‌طلبان شنیده و خوانده می‌شد. اما شنیدن چنین سخنانی از زبان آن دسته از اصلاح‌طلبان که روزگاری به داشتن مواضع تندتر از سایرین شهره بودند، بر این نکته بیشتر تاکید می‌کرد که دوروبدن اصلاح‌طلبان از عرصه سیاست در دوران هشت‌ساله ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد، نه‌تنها آن را به مسیر انتقام‌جویی و تندروی سوق نداد، که حتی برخلاف ادعای برخی اصولگرایان تندرو که پس طولانی در رفتارهای رادیکال و مواضع غیرواقعی داشتند، مسیری را ائتلاف‌طلبی که به وقوع آن از در، راه رسیدن به اصلاح جمهوار خواهد شد. واکنش این روزهای بزرگان این گروه سیاسی به فلاح‌شدن دولت تدبیر و امید به‌وضوح، مؤید این تغییر رویکرد است. هرچند با گذشت مدت‌زمانی کوتاه از روی‌کارآمدن دولت تدبیر، تندروهای اصولگرا تلاش وافری داشته‌اند تا چنین القا کنند که اصلاحات و اعتدال، فاصله ماهوی معناداری دارند. اظهارات چهره‌های شناخته‌شده اصلاحات خلاف این ادعا را ثابت کرد است همچنان‌که حمیدرضا جلایی‌پور همان موقع در نشست اصلاح‌طلبان اصفهان تاکید کرد اعتدال‌گرایی و اصلاح‌طلبی همپوشانی زیادی با هم دارند؛ «می‌توان گفت اعتدال‌گرایی همان اصلاح‌طلبی است که به دلیل شرایط بسته جامعه، از آن به اعتدال یاد می‌شود... راهبردمحوری اصلاح‌طلبان برای رسیدن به توسعه سیاسی، حکایت قانون است که درمهین‌راستا جبهه اصلاحات در تمام انتخابات حضور خود را اعلام کرده است چون اعتقاد به اصل حاکمیت قانون که همان ضمن‌های‌ها است، دارد. این در حالی است که مخالفان اقراطی اصلاح‌طلبان از سال ۱۳۷۶ با بعد حاکمیت قانون را نقض می‌فرستد. اقراطی‌ها راهبرد اصلاح‌طلبان را در دوران اصلاحات فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا خواندند که با

■ از منظر سیاسی، مجلس دهم با چه شرایطی مواجه است؟ بارها گفته شده دولت برخاسته از رای مردم در سال ۹۲، با انتظارات بحق رای‌دهندگان در حوزه سیاسی و سیاست خارجی مواجه است اما برخی نمایندگان، نه‌تنها همراهی لازم را صورت ندادند، بلکه موانعی نیز ایجاد کردند. مجلس دهم در چه بخش‌هایی می‌تواند تحول سیاسی صورت دهد؟

نقش مجلس آینده در سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی می‌تواند بسیار مؤثر و کلیدی باشد. مجلس دهم می‌تواند در جهت تکمیل تنش‌زدایی که با روی‌کارآمدن دولت جدید شروع شده، قدم بردارد. آنچه در مجلس فعلی دیده می‌شود برخوردهای انفعالی با مسائل جهانی است و به‌طور محسوسی در نمایندگان فعلی، گرایش به شرق دیده می‌شود

نقش مجلس آینده در سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی می‌تواند بسیار مؤثر و کلیدی باشد. مجلس دهم می‌تواند در جهت تکمیل تنش‌زدایی که با روی‌کارآمدن دولت جدید شروع شده، قدم بردارد. آنچه در مجلس فعلی دیده می‌شود برخوردهای انفعالی با مسائل جهانی است و به‌طور محسوسی در نمایندگان فعلی، گرایش به شرق دیده می‌شود

درعین‌حالی که سرمایه‌گذاری زیادی در مقابسه با سایر بخش‌ها در آن نیاز نیست. بخش دومی که قابل‌توجه است تحول با دکرگونی در مصرف انرژی در داخل کشور است. متأسفانه شاخص‌هایی که درایران‌باره بیان می‌شود، نگران‌کننده است. ما از پرمصرف‌ترین کشورها در زمینه انرژی در سطح دنیا هستیم. شدت انرژی (تن نفت خام برهزار دلار تولید) در ایران چهار برابر میانگین جهانی و ۹ برابر ژاپن است. بازنگری در مصرف انرژی و بهینه‌سازی آن مقدار زیادی از منابع را آزاد می‌کند که می‌توانیم آن را در سطوح جهانی عرضه و درآمد کسب کنیم. ضمن اینکه در سالم‌سازی محیط‌زیست و مقابله با آلودگی در داخل، مفید و مؤثر است و باعث استغلال فراوان می‌شود. سیستم احتراق اتومبیل و سیستم‌های گرمایشی منازل باید تغییر کند که همه اینها می‌تواند شغل‌های پاک ایجاد کند.

■ صحبت از بودجه دو دوازدهم برای فروردین و اردیبهشت سال آینده است. احتمالا بررسی کامل بودجه ۹۵ هم به سال آینده موکول می‌شود.

بله، پس فرصت کوتاه سال آینده هم به‌سرعت از دست می‌رود. مجلس فعلی توان و فرصت رسیدگی برنامه ششم را نداره؛ بنابراین اولویت اصلی مجلس آینده، بررسی دقیق، همه‌جانبه و کارشناسی برنامه ششم توسعه است که فرازهای مهمی از تحولات سال‌های آتی در کرو چگونگی سند برنامه ششم خواهد بود. امیدوارم با برگزاری انتخاباتی با حضور همه سلایق، بنیه کارشناسی مجلس در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و سیاست خارجی تقویت شود تا از این حیث، منافع کشور و مردم بیشتر مد نظر نمایندگان قرار گیرد.

■ اصلاحاتی که مجلس دهم در کام اول با تصویب برنامه ششم می‌تواند در وضعیت کشور صورت دهد، بیشتر در چه حوزه‌هایی است؟

کشور و مردم گرفتار رکود عمیق اقتصادی هستند. در اواخر دولت اصولگرایان، رکود توأم با تورم ویژگی بارز اقتصاد کشور بود. البته بعد از انتخابات سال ۹۲ و روی‌کارآمدن دولت روحانی، دولت تلاش کرد تورم ۴۰درصدی را مهار کند و تا حد زیادی هم موفق بود. اما با وجود این در زمره کشورهایی هستیم که با نرخ تورم بالا در جهان شناخته می‌شوند. اما درحال‌حاضر، رکود عمیق حاکم بر بخش‌های مختلف اقتصادی و تولیدی، پدیده نگران‌کننده‌ای است که شاخص‌های منفی را در اقتصاد کشور به نمایش می‌گذارد. مقابله با رکود و ایجاد رونق اقتصادی موضوعی جدی است و سازوکارهای اقتصادی برنامه ششم توسعه باید برای خروج از رکود سامانه‌دهی شود. در این زمینه کارهای مختلفی می‌توان انجام داد که در این حالی است که اصلاحات اقراطی اصلاح‌طلبان از سال ۱۳۷۶ با بعد حاکمیت قانون را نقض می‌فرستد. اقراطی‌ها راهبرد اصلاح‌طلبان را در دوران اصلاحات فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا خواندند که با حاضر شد و رای داد؛ اقدامی که البته آن زمان با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شد و حتی طعم واکنش‌های تند را هم چشید. اما همان زمان برخی حاب‌نظران و تحلیلگران، این اقدام او را دلیل روشن و بارزی برای تصمیم جریان اصلاح‌طلبی به ماندن در صحنه عمل دانستند. به‌هرروی، معتقدان به این تفکر سیاسی چهار سال گذشته را نیز با وجود همه محدودیت‌ها پشت‌سر گذاشتند تا فضا برای انتخابات یازدهمین دوره ریاست‌جمهوری آماده شد.

مسیر ائتلاف

در روزهایی که تب انتخابات ریاست‌جمهوری بر پیشانی شهرها و روستاهای ایران عرق کرده بود، شعاری مراسم‌به‌مراسم چرخید و شد پای ثابت شعارهای همه‌جای انتخاباتی؛ «اعتدال- اصلاحات- ائتلاف- ائتلاف». پیام این شعار برای آنان که دنبای سیاست و پیوندش با بدنه اجتماعی را خوب می‌شناسند، کاملا واضح و آشکار بود، یکی از راه‌های رسیدن به اصلاح امور، گذر از اصلاح‌طلبی می‌گذشت. به‌وفور در سخنرانی‌ها و اظهارات کوتاه و بلند اعتدالیون و البته اصلاح‌طلبان شنیده و خوانده می‌شد. اما شنیدن چنین سخنانی از زبان آن دسته از اصلاح‌طلبان که روزگاری به داشتن مواضع تندتر از سایرین شهره بودند، بر این نکته بیشتر تاکید می‌کرد که دوروبدن اصلاح‌طلبان از عرصه سیاست در دوران هشت‌ساله ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد، نه‌تنها آن را به مسیر انتقام‌جویی و تندروی سوق نداد، که حتی برخلاف ادعای برخی اصولگرایان تندرو که پس طولانی در رفتارهای رادیکال و مواضع غیرواقعی داشتند، مسیری را ائتلاف‌طلبی که به وقوع آن در، راه رسیدن به اصلاح جمهوار خواهد شد. واکنش این روزهای بزرگان این گروه سیاسی به فلاح‌شدن دولت تدبیر و امید به‌وضوح، مؤید این تغییر رویکرد است. هرچند با گذشت مدت‌زمانی کوتاه از روی‌کارآمدن دولت تدبیر، تندروهای اصولگرا تلاش وافری داشته‌اند تا چنین القا کنند که اصلاحات و اعتدال، فاصله ماهوی معناداری دارند. اظهارات چهره‌های شناخته‌شده اصلاحات خلاف این ادعا را ثابت کرد است همچنان‌که حمیدرضا جلایی‌پور همان موقع در نشست اصلاح‌طلبان اصفهان تاکید کرد اعتدال‌گرایی و اصلاح‌طلبی همپوشانی زیادی با هم دارند؛ «می‌توان گفت اعتدال‌گرایی همان اصلاح‌طلبی است که به دلیل شرایط بسته جامعه، از آن به اعتدال یاد می‌شود... راهبردمحوری اصلاح‌طلبان برای رسیدن به توسعه سیاسی، حکایت قانون است که درمهین‌راستا جبهه اصلاحات در تمام انتخابات حضور خود را اعلام کرده است چون اعتقاد به اصل حاکمیت قانون که همان ضمن‌های‌ها است، دارد. این در حالی است که مخالفان اقراطی اصلاح‌طلبان از سال ۱۳۷۶ با بعد حاکمیت قانون را نقض می‌فرستد. اقراطی‌ها راهبرد اصلاح‌طلبان را در دوران اصلاحات فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا خواندند که با

■ از منظر سیاسی، مجلس دهم با چه شرایطی مواجه است؟ بارها گفته شده دولت برخاسته از رای مردم در سال ۹۲، با انتظارات بحق رای‌دهندگان در حوزه سیاسی و سیاست خارجی مواجه است اما برخی نمایندگان، نه‌تنها همراهی لازم را صورت ندادند، بلکه موانعی نیز ایجاد کردند. مجلس دهم در چه بخش‌هایی می‌تواند تحول سیاسی صورت دهد؟

نقش مجلس آینده در سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی می‌تواند بسیار مؤثر و کلیدی باشد. مجلس دهم می‌تواند در جهت تکمیل تنش‌زدایی که با روی‌کارآمدن دولت جدید شروع شده، قدم بردارد. آنچه در مجلس فعلی دیده می‌شود برخوردهای انفعالی با مسائل جهانی است و به‌طور محسوسی در نمایندگان فعلی، گرایش به شرق دیده می‌شود. برای سازنده با سایر کشورهای دنیا، نگاهی به شرایط مجالس در سایر کشورهای دنیا، نکاتی را یادآوری می‌کند. در آمریکا کنگره قانون را تصویب کرده و برای اجرا به دستگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ می‌کند. چنانچه در جریان اجرای قانون دادگاه‌های آمریکا با مصوبه‌ای برخورد کنند که به نظر آنها با قانون اساسی دارای مغایرت باشد، آن را به دیوان‌عالی ارجاع می‌دهند تا در همان مورد خاص اظهارنظر کند. شورای قانون اساسی فرانسه هم مشابه همین نقش را ایفا می‌کند و وظیفه آن مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی نیست. قانون عادی پس از تصویب مجلس جنبه اجرائی پیدا می‌کند. مگر مواردی که از سوی رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر یا رؤسای مجلس احتمال داده شود که قانون مصوب درحال‌اجرا، با قانون اساسی در تعارض است. باید توجه داشت که تنها در چنین شرایطی است که شورای قانون اساسی وارد می‌شود. در ایران نهادهای نظارتی مانند شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت وجود دارند، اما این شرایط با نظام دو مجلسی، تفاوت مشخصی دارد. نوع نظام‌های حقوقی هم در شکل‌گیری نهادهای رسمی، تأثیرگذار است. در نظام‌های سیاسی «ریاستی» مانند آمریکا، انتخاب ریاست‌جمهوری و کنگره به‌طور مجزا برگزار می‌شود و برای همین ممکن است رئیس‌جمهور از جمهوری‌خواهان و مجلس در اختیار دموکرات‌ها باشد یا برعکس. در برخی کشورها مانند انگلستان شرایط متفاوت است. هر حزبی که اکثریت را در انتخابات پارلمانی دراختیار بگیرد، معمولاً رئیس حزب یا رئیس شورای حزب را به‌عنوان نخست‌وزیر معرفی کرده و او نیز کابینه تشکیل می‌دهد. دراین‌صورت هیچ بهانه‌ای برای حزب حاکم وجود نخواهد داشت؛ چراکه هماهنگی کامل میان دولت و مجلس وجود دارد. هرکدام از این نظامات دارای معایب و مواهبی هستند. در سیستم ریاستی چنانچه رئیس‌جمهور بخواهد از قدرت بالائی خود سوءاستفاده کند، کنگره در مقابل او ایستاده و رئیس‌جمهور از طرف حزب رقیب کنترل خواهد شد. درعین‌حال در صورت همسوبودن دولت و مجلس نمایندگان این احتمال وجود دارد که رئیس‌جمهور نتواند قوانین مدنظر خود را از تصویب مجلسیان (نمایندگان و سنا) بگذراند و به وعده‌های انتخاباتی خود عمل کند. در نظام کابینه‌ای هم همین محاسن و معایب وجود دارد. از یک‌سو یک‌دستی دولت و مجلس نوعی آزادی عمل ایجاد می‌کند تا حزب حاکم با فراغبال در جهت نیل به اهداف و وعده‌های خود حرکت کند و درعین‌حال، هیچ بهانه‌ای برای عدم تحقق وعده‌ها وجود ندارد. در مقابل این آسیب هم محتمل است که تمرکز قدرت در دست یک حزب یا جریان سیاسی باعث نادیده‌گرفتن حقوق اقلیت شود و جریان حاکم به‌سمت استبداد و تمامیت‌خواهی سوق یابد. بااین‌حال، نظام حقوقی ایران را مختلط می‌نامم. به‌دلیل انبکه در ایران سابقه چندانی در دموکراسی وجود نداشته، به‌نظر کارشناسان، استقلال خود قوا به‌صواب نزدیک‌تر است. بااین‌حال باوجود برگزاری انتخابات جداگانه مجلس و ریاست‌جمهوری، شاهد آن هستیم که در برخی ادوار، مجلس به تمکین در برابر دولت وقت پرداخت که این امر نارضایتی و اعتراض برخی نمایندگان را هم دربی داشت. به‌هرحال همسویی مجلس و دولت در مقاطع مورد اشاره سبب شد جایگاه آن تضعیف شود. به‌بیان‌دیگر هماهنگی مجلس و دولت باعث تسلیم‌به‌محتی شدن‌طبعی شود. نمونه آن عملکرد مجلس پنجم در دو سال نخست دولت اصلاحات بود. به‌دلیل اینکه اصولگرایان مجلس پنجم از جهه‌های باسابقه و شناسنامه‌دار سیاسی بودند، رفتار معقولی را درپیش گرفته و به همه وزرای معرفی‌شده توسط رئیس‌جمهور وقت رأی دادند؛ البته فضای عمومی جامعه هم در این تعامل بی‌تاثیر نبود. در سوی مقابل، اصولگرایان رأی‌ندادن مجلس هفتم و هشتم به بعضی گزینه‌های پیشنهادی دولت نهم و دهم را نتیجه استقلال مجلس می‌دانند. گزینه‌های رئیس دولت نهم بعضاً به‌اندازه‌ای ناشناخته و ضعیف تشخیص داده شد که حتی مجلس هشتم با اصولگرایان باوجود همه رایزنی‌ها نتوانست آنها را بپذیرد. نکته دیگر نیز این است که همه رؤسای‌جمهور پیشین در دوران اجرای قانون باتندمدت و واقعی بوده و از فضای آن شناخت کافی داشتند. ذکر روحانی هم سابقه حضور در پنج دوره مجلس را در کارنامه دارد. ازاین‌حیث هر رئیس دولت‌های نهم و دهم یک استثنا محسوب می‌شود. گوناه سخن اینکه مجلس می‌تواند در بسیاری از حوزه‌ها، اثرگذار باشد. به‌عنوان نمونه در برنامه چهارم توسعه که از سندهای مهم مصوب مجلس نهم است، نکته به خاطر بارنامه‌ها نگاه فرایندی بود؛ اینکه در یک برنامه ۱۰ ساله به‌طور یکنانی، هر سال ۱ درصد به قیمت بنزین و برخی حامل‌های انرژی اضافه شود و به‌موازات آن، زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی، خصوصاً مترو، در کلان‌شهرهایی مانند تهران، اصفهان، مشهد، تبریز، اهواز و... تکمیل و راه‌اندازی شود. همچنین درنظر بگیرید که در سال‌های گذشته شاهد و بنزین به‌تدریج با قیمت جهانی آن برابر شود تا در کنار رشد دستمزدها، فشار کمتری به مردم وارد شود. در مجلس هفتم با نگاهی ساده‌انگارانه به اقتصاد، از بنزین لیتری ۳۰۰ تومان سخن گفته و طرح تثبیت قیمت کالاهای اساسی را با سوءوضای زیاد به‌عنوان خدمت بزرگ به اقشار کم‌درآمد تصویب کردند. البته پس از دو سال اجرای قانون که طرح آنها اشتباه بوده است، باید در مجلس، در حوزه‌های مدنظر اقتصاد طرح‌های زیربنایی را تصویب کرد. حمایت از اصلاح‌سازی‌های اجرایی، اصلاح نظام مالیاتی، اصلاح روند بودجه‌نویسی، اصلاح‌کردن بورس‌های منطقه‌ای، تأکید بر تقویت تولید ملی و اقتصاد مقاومتی موردنظر مقام معظم رهبری، همه و همه می‌تواند به بهبود شرایط کمک کنند. مجلس دهم می‌تواند با نگاه عالمانه و غیرمغرضانه، نه‌تنها روند کنترل تورم را در دستورکار قرار دهد؛ بلکه برای خروج از رکود هم به دولت یاری برساند. همه اینها در دوران اجرای برجام می‌تواند با سرعت بیشتری طی شود. با توجه به زمان کوتاه باقی‌مانده از عمر مجلس نهم، اصول کلی حرکت نباید کمتر در مسیر توسعه نیز می‌تواند توسط مجلس دهم در برنامه ششم توسعه مورد واکاوی و بازنظیم قرار گیرد.

انتخابات مجلس دهم، ایستگاه دیگری برای اصلاح‌طلبان و نیروهای میانه‌رو است

باز هم محدودیت، باز هم تدبیر

آزاده محمدحسین

موعد انتخابات مجلس دهم به‌سرعت ن